

دختر

عاشق خامنشی

— □ —

فرزانه سعادت‌ساز

مشخصات ظاهری: [۵۶]ص.

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۲۶۱۴



instagram:fasle5

فهرست

- ۱ / دختر عاشق هخامنشی، مات جادوی خواب و رویا شد / ۹
- ۲ / همه، روزنامه‌های زمین، می‌نویسند از برو رویت / ۱۱
- ۳ / تار و جگرگردان من را در قاب تنگ تن کشیدی / ۱۲
- ۴ / دیوانه‌ای میان خیابان، شبیه من / ۱۳
- ۵ / از مخزن (سرا) چشم، اشعار مولانا برآشت / ۱۵
- ۶ / سلول‌های شام، سر از آن توست / ۱۶
- ۷ / نشست پشت دریچه خواب، دختر کرد / ۱۸
- ۸ / دارم هلاک می‌شوم از این غم می‌خواهم از تنم بزنم بیرون / ۲۰
- ۹ / پروردگار شعرهایم، از دامن سیرکنیده / ۲۱
- ۱۰ / دختر این حوالی ام آری، دختر این زیرتفتیده / ۲۲
- ۱۱ / تو آمدی که نفس‌های من غزل بشوند / ۲۳
- ۱۲ / هر لحظه، هراس رفتنت می‌کشدم / ۲۴
- ۱۳ / ویرانه‌های قلب مرا پرسه می‌زند، آجر به آجر نفهمیده که مرده است / ۲۵
- ۱۴ / حالا که عشق در دلم آرام پا گرفت / ۲۶
- ۱۵ / اصلا از کوچه‌های سرگردان، اصلا از این مسیر دلگیرم / ۲۷
- ۱۶ / این که باشی و آتش بزنند مرگ شاید قشنگ‌تر باشد / ۲۸
- ۱۷ / آتش به دست، در تب حسرت نشاندی ام / ۲۹
- ۱۸ / سرزنش می‌کنی مرا اما، عشق یک اتفاق شیرین است / ۳۱
- ۱۹ / می‌سوزم از درون خودم هر بار، تا یک غزل برای شما باشم / ۳۲
- ۲۰ / گفתי که عشق نیست فقط یک معامله است / ۳۳

- ۲۱ / با گنبد نگاه تو امشب عجین شدم آری منم کویر و تو باران رحمتی / ۳۴
- ۲۲ / تن صحرا عجیب تب دارد، تاب و تب ریشه در خطر دارد / ۳۵
- ۲۳ / باد می گفت آرزو دارم بوزم در مسیر گیسویش / ۳۶
- ۲۴ / همان شده است همه سوره های سرخ تنت / ۳۷
- ۲۵ / آسمان و سکوت تلخ زمین، تا دل کربلا کشید تورا / ۳۸
- ۲۶ / دوباره دل تو سوگواره منتشر است / ۳۹
- ۲۷ / ... و رد پای نوب و سحر زمان پیدا است / ۴۰
- ۲۸ / در رگ، رگش و لعل اذان کشیده است / ۴۲
- ۲۹ / پیچید در سکوت فضا ذکر حسین / ۴۳
- ۳۰ / ترکش به سوره های تنت می برد، پس زخم ... / ۴۵
- ۳۱ / حالا برقص و در سماعت سریفشان / ۴۶
- ۳۲ / این آخرین قالی ست می بافم، این آخرین بغل غزل گون است / ۴۸
- ۳۳ / می عکس می گرفت که این لحظه های سحر ... / ۴۹
- ۳۴ / تبر از دست های شب بارید جنگل قصه مان بیابان مد / ۵۰
- ۳۵ / وقتی که خون در دامن باد، ذرات دنیا را تکان داد / ۵۱
- ۳۶ / عاشقی را به سخره می گیرند سایه های ستمگر تاریخ / ۵۲
- ۳۷ / وقتی که داغ می چکد از شاخسارها / ۵۳
- ۳۸ / قریه در خواب غفلت و آن سو، خاطر کهکشان بر آشوبد / ۵۵
- ۳۹ / دیشب مقاومت به خیابان کشیده شد / ۵۶